



۱۷ اکتبر روز جهانی مبارزه با فقر

فریده ثابتی / آذر ۱۴۰۰

۱۷ اکتبر روز جهانی مبارزه با فقر بود!!، اما نظام بانی و باعث فقر ۶ میلیارد انسان، چرا بحث مبارزه با فقر را پیش می کشد؟! جواب روشن است. سرمایه خود خالق کلیه اشکال فقر و یگانه عامل فقیر شدن انسانها است. چگونه جهان سرمایه داری می خواهد با فقر و پیامدهای آن مبارزه کند در حالی که فقر از شرایطی که خود سرمایه داری حاکم کرده است بر می آید؟! در برشماری دلایل فقر هیچ اثری از خود سرمایه داری نیست. می گویند فقر یا ناشی از مشکلات زیست محیطی است، یا درگیری ها و خشونت و جنگ و یا بیکاری. اما گفته نمی شود که مشکلات زیست محیطی از آلوده شدن آب، از سوراخ شدن لایه اوزن و گرمایش زمین، جنگ و درگیری ها از چه ناشی می شود. گفته نمی شود اگر مردم افغانستان، یمن، لیبی، سوریه، آفریقا و ... با فقر دست به گریباند، نقش ناتو و کشورهای سرمایه داری و نقش صنایع نظامی در این فقر چه بوده است. اگر مردم قاره آفریقا با فقر و مهاجرت و مرگ روبرو هستند از نقش استعماری اروپا و کشیده شدن شیره ی جان قاره، و حمایت های بعدی شان از حکومت گران مستبد صحبت نمی شود. هیچ صحبتی از پاسخگویی آن ها به فقری که ایجاد کرده اند نیست. در همین مساله افغانستان دریغ حتی از یک عذر خواهی از مردم و تاوان آن. گذشته از سایر کشورها که برایش نشست های پرزرق و برق برقرار می کنند و تصمیم می گیرند که تا سال ۲۰۲۵ فقر را به نصف تقلیل خواهند داد و حالا خودشان به این نتیجه رسیده اند که فقر مثل گلوله ی برفی می غلند و بزرگ و بزرگ تر می شود. کشورهای فقیر پیش کش شان فقر در خود کشورهای پیشرفته اروپا و آمریکا در حال گسترش است.

در این ماه گلوبال هنگر ایندکس - Globalhunger-Index -

گزارش سال ۲۰۲۱ خود از مساله گرسنگی در جهان با استفاده از داده های منابع مختلف از جمله یونیسف، بانک جهانی، صندوق بین المللی برای توسعه کشاورزی، سازمان بهداشت جهانی و منابع دیگر از افراد و سازمان ها، مساله فقر و گرسنگی و به طور ویژه مرگ و میر کودکان، سوء تغذیه، تاخیر در رشد، لاغری یا پوست و استخوانی شدن به ویژه در کودکان را با توجه با سه عامل یعنی پاندمی کوید ۱۹، تغییرات محیط زیست، و خشونت و درگیری های داخلی مورد توجه قرار داده است.

طی یک سال گذشته شمار فقرا در جهان افزوده شده است به نحوی که ۸۱۱ میلیون نفر از فقر دچار گرسنگی اند. در کشورهای سومالی، یمن، افغانستان، ماداگاسکار و سودان جنوبی ۴۱ میلیون نفر به طور وحشتناک با گرسنگی مواجه اند. از ۱۲۸ کشور جهان ۴۲ کشور حتی نمی توانند تا سال ۲۰۳۰ میزان گرسنگی را کم تر کنند. از این ۴۲ کشور ۲۸ کشور در آفریقا، صحرای جنوبی، جنوب آسیا، غرب و شرق آسیا تا آمریکای لاتین و کارائیب قرار دارند.

از سال ۲۰۲۰ به خاطر بیکارشدن های گسترده کارگران، شاهد افزایش چشمگیر گرسنگی هستیم. نیم گرسنگان در کشورهایی زندگی می کنند که دچار خشونت های درگیری های داخلی، جنگ و حوادث وحشتناک و حکومت های مستبد هستند. تغییرات محیط زیستی عامل دیگر ناامنی غذایی از طریق افزایش گرمایش زمین، تغییر الگوی بارش، بیشتر شدن حوادث آب و هوایی شدید است. پاندمی کوید ۱۹، امنیت غذایی را با بیکارشدن های گسترده کارگران و از دست دادن درآمد به خاطر قرنطینه، بیماری و یا مقررات شدیدی که دولت ها وضع کردند و هم چنین اختلال در سیستم تامین مواد غذایی، افزایش قیمت

بیکار جاری خود را لحظه ای و حلقه ای از یک جنگ سراسری برای نابودی نظام سرمایه داری کنیم.

مواد غذایی در شرایطی که بدن در خطر از دست دادن سلامت بود، مختل کرد. رکود اقتصاد جهانی با حاصل از پاندمی کوید ۱۹ عامل دیگری برای عدم امنیت تامین مواد غذایی بود. فقر البته که تنها منحصر به همین کشورها نبود فقر حتی در کشورهای پیشرفته سرمایه داری هم گسترش یافت. در اتحادیه اروپا ۲۴,۲٪ افراد زیر ۱۸ سال یعنی کودکان و نوجوانان در سال ۲۰۲۰ در خطر فقر قرار داشتند، هم چنین ۲۱,۷٪ نیروی فعال اقتصادی بین ۱۸ تا ۶۴ سال و ۲۰,۴٪ افراد بالای ۶۵ سال همین وضعیت فقر را داشتند. به طور مثال فقر را به عینه بدون پژوهش و تحقیق می‌توان در خیابان ها، در فروشگاه های مواد غذایی، در کنار سطل های زباله دید. در آلمان جستجوگران باطری های خالی آب و نوشیدنی که می‌شود به ۸ و ۲۵ سنت فروخت را در کنار سطل های زباله به ویژه زنان و مردان پیر موقر که روی آن خم شده اند دیگر همه جایی شده است در این کشور جمع کثیری از کارگرانی که کار تمام وقت دارند به دلیل دستمزدهای پایین زیر خط فقر محتاج کمک هستند. در آمریکا بزرگترین قدرت اقتصادی نظامی جهان از هر هشت نفر یک نفر غذای کافی برای خوردن ندارد. ۵۴٪ آمریکایی ها در سال ۲۰۲۰ برای گذران زندگی محتاج کمک بودند. ۲۱٪ آمریکایی های آفریقایی تبار، ۲۴,۲٪ بومیان اولیه و ۹٪ سفید پوستان آمریکایی با فقر مواجه اند که در مجموع ۴۰ میلیون آمریکایی زیر خط فقر زندگی می‌کنند. فقر برای کودکان هم امری طبقاتی بود. خطر فقر برای کودکان قشر پایین طبقه کارگر که معمولاً اکثرشان سطح بالای آموزشی را ندیده اند، ۵۰,۵٪ و برای قشر بالای این طبقه که تحصیلات سطح بالا دارند ۷,۷٪ است. همین طور است خطر فقر برای کودکان خانواده هایی که یکی از والدین شان مهاجر است نسبت به کودکانی که پدر و مادر بومی دارند تقریباً دو برابر یعنی ۳۲,۹٪ نسبت به ۱۵,۳٪ است.

در ایران بنا به گفته ی رئیس موسسه دولتی پژوهش تامین اجتماعی ایران، روزبه کردونی، در مصاحبه با ایسنا ۲۳ آبان ۱۴۰۰، در سال های اخیر جمعیت زیر خط فقر در ایران دو برابر شده است به نحوی که

خط فقر مطلق که در آن فرد از تامین حداقل نیازهای ضروری زندگی ناتوان است از سال ۹۶ تا ۹۹ از ۱۵,۵٪ به ۳۰,۶٪ رسیده است. جمعیت زیر خط فقر مطلق در مناطق شهری ۳۱,۸٪ و در مناطق روستایی به ۵۴٪ رسیده است که با این محاسبه بیش از ۳۱ میلیون نفر از جمعیت ۸۴ میلیونی کشور در فقر مطلق به سر می‌برند. گذشته از فقر مطلق، شمار زیادی از جمعیت جامعه در محدوده ی خط فقر هستند یعنی درآمدها تنها حداقل نیازهای شان را تامین می‌کند نه بیشتر. البته باید این مقدار و درصد را مثل همه ی اطلاعاتی که مسئولین در اختیار جامعه قرار می‌دهند و با واقعیت نمی‌خواند بسیار بالاتر دید به طور مثال خط فقر مطلق در سال ۹۹ با استفاده از آمارهای وزارت کار یک خانواده چهار نفره یعنی یک زن و یک مرد با دو کودک، ۳ میلیون و ۳۸۵ هزار تومان در نظر گرفته شده و کسانی که مثلاً ۴ میلیون تومان درآمد داشتند را شامل نشده است در حالی که در همین سال در بعضی از آمارهای رسمی تامین حداقل نیاز یک خانواده ۴ نفره را ۱۰ میلیون حساب کرده اند. چنان که می‌بینیم همواره صحبت از تامین حداقل نیازهای زندگی است نه یک زندگی شایسته انسانی با توجه به مجموع درآمدهای کشور یا تولید ناخالص داخلی و ملی.

توزیع نابرابر ثروت و امکانات، فقر را تغذیه می‌کند. تغییر توزیع با اصلاحات حل نمی‌شود، حل آن به تغییرات رادیکال نیاز دارد. به تغییر سیستمی که عامل این توزیع نابرابر است و اکثریت جمعیت را در یک زندگی بخور و نمیر نگه می‌دارد اما یک اقلیت انگل را پرور می‌کند. تغییر این سیستم از بالا توسط طبقه حاکم یعنی سرمایه داران و دولت نماینده او یا تشکیل اتحادیه های کارگری صورت نخواهد گرفت بلکه کار طبقه ی کارگر یعنی اکثریت جمعیت جامعه است که باید خود را برای این تغییر سازمان دهد. این امری طبقاتی است و نیاز به شرکت کل طبقه در تشکیلات طبقاتی اش دارد که با تجربه ی تاکتونی شوراها خواهد بود، اگر بخواید از این وضع فلاکت بار خود را و جامعه را رها سازد.